

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



يك محاكمه تاريخی

* محاكمه گردانندگان «مطبوعات» گمراه کننده!

* بیانات دادستان

* مدافعات و کیل مدافع

* * *

چندی پیش یکی از دوستان ورق پاره ای بدستم داد که مربوط بیکى از مجله های کشور خودمان بود! ولی اول و آخر آن مجله دردست نبود.

در این ورق پاره يك بحث عجیب و «نگفتنی» درباره «تعداد بوسه هائی که هنرمندان و هنرپیشه ها در ایام عید رد و بدل میکنند»! با تمام ریزه کاریهایش بچشم میخورد!، اصرار داشت در این زمینه چیزی نوشته شود و در اطراف زیانهای اخلاقی و اجتماعی اینگونه نشریات بطور کلی بحث کنیم.

دوست ما شاید تصور میکرد اینگونه بحثهای صددرد صد ضروری! در مجلات ما تازگی دارد و همین علت ناراحتی شدید و عصبانیت او بود.

ولی نه اینگونه مطالب میتدل و ضد اخلاقی در آنها تازگی دارد، و نه انتقاد شدید ما از اینگونه مجلات رسوا. مردم حق دارند هرگونه اعتراضی در این زمینه بکنند، زیرا مندرجات مسموم و گمراه کننده اینگونه مجلات منبع خطرناکی برای نشر انواع مفاسد اخلاقی در اجتماع

ما - بخصوص درمیان جوانها - شده است .

با اینکه مجلات ارزنده علمی و اخلاقی و اجتماعی در مملکت ما کم نیست ، اما این اکثریت فاسد حیثیت آنها را لکه دار کرده ؛ و آبروی آن مطبوعات سودمند را برده است . اجازه دهید در همینجا يك « محکمه » تشکیل دهیم و گردانندگان این نوع مجله ها را در حضور مردم و مجاگمه ، کنیم

ما نخست بعنوان داد-ستان جرمی را که با اینگونه جرائم و مجله ها نسبت میدهند تشریح میکنیم ؛ سپس بعنوان وکیل بی-موکل ! مدافعات گردانندگان آنها را نیز شرح میدهیم ؛ و قضاوت را بعهده خوانندگان گرامی میکناریم .

* * *

بیانات دادستان

آقایان قضاة ! کسیکه با مطبوعات امروز سروکار دارد میداند برای چاپ و نشر يك مجله چه اندازه زحمت و دردسر و بودجه و وقت لازم است .

نشر مجله ای که تیراژ و تعداد صفحات آن در يك خدمت متوسط باشد محتاج بنفرت و هزینه سنگینی است ؛ عده ای برای تهیه مطالب ، عده ای برای چاپ و صحافی ، عده یادی برای نشر آن باید متحمل زحمات طاقت فرسائی شوند ؛ خلاصه هزینه و وقت و انرژی فراوانی در این راه باید صرف شود تا چنین مجله ای چاپ و در دسترس مردم قرار گیرد .

از این مهمتر ارزش اوقات گرانبھائی که مردم صرف مطالعه جرائم و مجلات میکنند فوق اینهاست . اجازه دهید يك حساب ساده و روشن در اینجادر اختیار شما بگذاریم :

فرض کنید يك مجله هفتگی که تیراژ متوسطی دارد در هر هفته ده هزار خواننده داشته باشد که هر يك دو ساعت از وقت خود را در مجموع هفته صرف مطالعه آن کنند ؛ اوقاتی که همه خوانندگان در عرض یکسال در این راه مصرف مینمایند تقریباً **يك ملیون ساعت !** است این وقتی است که فقط صرف خواندن يك مجله هفتگی میشود

اما وقتی که برای مطالعه يك روزنامه کثیرالانتشار «یومیه» که فقط تیراژ آن پنجاه هزار نسخه باشد و فرض کنیم هر نسخه را دو نفر هر يك بمدت نیم ساعت يك مطالعه عبوری کنند ، با در نظر گرفتن تعطیلات سال تقریباً **۱۵ ملیون ساعت !** در یکسال میشود .

اگر این مقدار را بخواهیم بحساب سال و ماه بیاوریم و برای هر روز **۸ ساعت** در نظر بگیریم (با اینکه **۸ ساعت** مطالعه در يك روز کار بسیار مشکلی است) بالغ بر **۱۰ هزار سال** میشود . یعنی برای مطالعه يك روزنامه یومیه با مشخصات بالا هر سال باندازه **۱۰ هزار سال**

(چندین برابر عمر نوح !) وقت تلف میشود. حالا فکر کنید در برابر این همه اوقات گرانبهای مردم که بوسیله مطبوعات تلف میشود چه عائد خوانندگان خواهد شد که بتواند این صرف وقت را جبران نماید ؟

اگر این موضوع را فقط از جنبه های اقتصادی مورد مطالعه قرار دهیم در کشور ما کارگر سیاه ! ساعتی یک تومان کار میکند ، و طبق این حساب مطالعه یک روزنامه یومیه سالی پانزده میلیون تومان و یک مجله هفتگی با یک تیراژ معمولی سالی یک میلیون تومان وقت مردم را تلف میکند .

اگر مجموع هزینه های برای چاپ و نشر و تهیه مطالب تمام جرائد و مجله های این مملکت مصرف میشود ، با مجموع اوقاتیکه صرف مطالعه آنها میشود در نظر بگیریم عدد سرسام آوری تشکیل میدهد .

با توجه با این ارقام گویا ، و با در نظر گرفتن مشکلات گوناگون فردی و اجتماعی ما آيا ساز و اوست که گردانندگان مطبوعات مسائل اصولی و آموزنده ای را که میتواند که مؤثری بانوبه مشکلات فردی و اجتماعی ما کند ؛ سطح افکار عمومی را بالا برد ؛ با فساد مبارزه کند ، پایه های عدالت اجتماعی را محکم نماید ؛ راهنمای فکری مردم باشد ؛ رها نموده و بدنیال اینگونه مطالب مبتذل ، انواع داستانها و رمانهای گمراه کننده و فساد خلاق برونند ؟ این همه سرمایه های مادی و معنوی مملکت را بر باد دهند و اجتماع را بفساد و بدبختی بکشانند ؟

کدام وجدان ؛ کدام مذهب ، و کدام قانون چنین اجازه ای میدهد ؟ مطبوعات وسیله بسیار مؤثری هستند ؛ دیگران بسیاری از مشکلات و گرفتاریهای خود را از همین راه حل کردند اما ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم .

لذا من بنام ملت ایران و باتکاء قانون مطبوعات علیه گردانندگان این نوع مطبوعات اعلام جرم میکنم ؛ و چون این موضوع یک موضوع حیاتی است و جنبه عمومی دارد ، تقاضا دارم آنها را به آشد مجازات ، مجازات فرمائید ! .

(تماشاچیان همه باین منطق قوی و بیانات مستدل آفرین میگویند !)

* * *

بیانات وکیل مدافع !

بعضی دادگاه محترم برساند موکلین من مبرگیند ؛ مؤسسات مایک مؤسسه دولتی نیست که بودجه معینی داشته باشد ، و هر سال در لیست بودجه عمومی منظور شود تا از محل آن ؛ مؤسسه خود را بگردانیم .

ما ناچاریم از خود مجله در آوریم و خرج آن کنیم و زندگی خود را نیز از آن تأمین نمایم
روی این حساب ساده و روشن باید سعی کنیم تیراژ مجله و روزنامه ما روز بروز بالاتر رود ؛ و راه
این موضوع تنها اینست که دنبال مطالبی برویم که عامه مردم آن را می‌پسندند !

تجربه بمانشان داده مردم عکس نیمه لخت يك ستاره سینما را بر عکس يك نفر از دانشمندان
بزرگ و رجال خدمتگزار این آب و خاک یا يك مؤسسه عظیم صنعتی و . . . ترجیح میدهند
خوانندگان ما علاقه خاصی به مطالب «سکسی» ؛ و ریزه کاریهای امور جنسی و مطالب سینمایی
و جزئیات زندگی هنرپیشه‌ها ؛ و رمانهای عشقی و شهوت انگیز، دارند اینگونه مطالب در
ذائقه آنها مانند «روغن نباتی قو» طعم کره میدهد !

مطالب علمی ، صنعتی ؛ اجتماعی ، اخلاقی ، حتی بحثهای عمیق سیاسی با همه جذابیتی
که دارد علاقه‌مندان محدودی دارد ، و با آنها مجله را نمیتوان چرخاند ؛ خلاصه ما تقریباً
نداریم ، مقصداً اصلی خود مردمند که روح و فکرشان منحرف شده و جز این مطالب انحرافی
چیزی نمی‌پسندند ؛ ما هم اگر بدنبال خواسته‌های آنها برویم جز ورشکستگی و سقوط نتیجه‌ای
نخواهیم گرفت .

بعضی از ما از روز نخست هدفهای بلندی داشتیم و افکار اصلاحی عمیقی در مغز خود
میپرورانیدیم ؛ هنگامیکه وارد میدان این اجتماع شدیم ؛ همه آنها بر باد رفت و با این روز افتادیم
که می‌بینید ؛ خلاصه ، ما چیزی جز خواسته‌های مردم منعکس نمیکنیم ، و مشوق مادر این راه
خود مردمند . (همه‌همه تماشاچیان !)

* * *

این بود خلاصه استدلال و مدافعات طرفین همانطور که ما با بی نظری کامل از طرف هر دو
دسته آنچه گفتنی بود گفتیم ؛ شما هم با بی نظری کامل قضاوت کنید ، ما تبرعاً منصب دادستانی و
وکالت این « محکمه اجتماعی » را قبول کردیم ، شما خواننده عزیز هم لطفاً منصب قضاوت
را قبول فرمائید .

به بینید حق با کدام طرف است ؛ و راه حل این مشکل بزرگ اجتماعی چیست ؟
نتیجه آنرا برای ما هم مرقوم دارید ؛ و ما را در جریان قرار دهید !